

# پلورالیسم دینی از مسئله‌نما تا مسئله

- زینب برخوردار<sup>۱</sup>
- کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، محقق و نویسنده

## چکیده

پلورالیسم یا کثرت‌گرایی دینی، موضوع مباحث و چالش‌های فراوانی شده و این مباحث، کمتر مورد ارزیابی روش‌شناختی قرار گرفته است. یکی از مواضع ابهام در این باره، اخذ پاسخ در صورت مسئله است که سبب القاکننده بودن آن می‌شود. جهانی‌شدن، معضل «ما و دیگر ادیان» را بیش از پیش فراروی دینداران و عالمان دین قرار داده است. این معضل، متضمن مسائل فراوانی است که عدم توجه به تمایز هر یک از مسائل، سبب خطای جمع مسائل در مسئله واحد می‌گردد. مسائل یادشده از حیث مبانی، روش و پاسخ هم‌سرنوشت نیست؛ از این رو، محقق می‌تواند در قبال یکی از مسائل این معضل، موضع کثرت‌گرایانه و در قبال دیگری، موضع حصر‌گرایانه اخذ کند و به مسئله‌ای دیگر، پاسخ شمول‌گرایانه دهد.

مقاله حاضر، با تأکید بر تقدّم تشخیص دقیق مسئله بر حلّ آن، در

جست‌وجوی صورتبندی مسئله یا مسائلی است که نظریه پلورالیسم دینی، در واقع، در پی پاسخ به آنهاست. کلید واژگان: کثرت‌گرایی دینی، جمع مسائل در مسئله واحد، القاکننده، نجات‌بخشی ادیان، تجارب ادیان، حقیقت آموزه‌های ادیان.

## طرح مسئله

بحث از پلورالیسم دینی به شکل امروزی آن، اساساً غربی و بستر آن، بستری فرهنگی و معرفتی خاصی است. البته تأکید بر چنین بسترهایی، بدین معنا نیست که دانشمندان یا دینداران در گذشته، به هیچ‌وجه با این مسئله مواجه نبوده‌اند، بلکه در سنت تفکر اسلامی توجه به ادیان دیگر و پیروان آنها مسائل متنوعی را به میان آورده است (ر.ک: منصورى). حتی از نظر برخی متفکران، وضعیت تکثر‌گرایانه دینی در عصر حاضر با گذشته هیچ تفاوتی ندارد، بلکه آنچه در عصر حاضر روی داده، رشد چشمگیر آگاهی در این زمینه است (ریچاردز، ۱۵).

توجه دادن بر بسترهای غربی در فهم ابعاد مختلف پلورالیسم دینی راهگشاست. امروز این مسئله در غرب، بسیار مورد توجه است، به گونه‌ای که در برخی مراکز و مجامع علمی، ضرورت پذیرش این نظریه در جهان امروز و چگونگی آماده کردن نسل بعدی برای پذیرش پلورالیسم و اتخاذ مواضع آن به مرییان آموزش داده می‌شود (ر.ک: سفاسمینستری،<sup>۱</sup> «دیان متحد»). ولی طرح پلورالیسم دینی در فرهنگ ما کمتر با دغدغه روش‌شناسی همراه بوده است. ترجمه‌گرایی و اقتباس از منابع غربی از جانب گروهی و غفلت از بسترهای غربی رشد و توسعه این مسائل از سوی گروهی دیگر، دو عامل عمده کاهش دغدغه روش‌شناسی در مباحث پلورالیسم دینی در ایران است؛ به دیگر سخن، در مباحث مربوط به این مشکل یا صرفاً بر اخذ و اقتباس دیدگاهها و آرای دانشمندان مغرب‌زمین بسنده می‌شود، یا به بسترهای معرفتی ظهور این مسائل بی‌توجهی می‌گردد و به تفکیک صحیح این مسائل پرداخته نمی‌شود (ر.ک: سروش)، حتی گاهی در ترجمه‌های کتابهای غربی، تکثر دینی

۱. Cephasministry.

۲. United religions.

با تکثرگرایی دینی نیز خلط می‌شود. این، در حالی است که تکثرگرایی دینی یکی از واکنشهایی است که در برابر تکثر دینی می‌توان داشت (ر.ک: ریچاردز)، ولی در اکثر موارد با مسئله‌ای دقیق مواجه نیستیم.

مسئله تحقیق حاضر، روش‌شناسی مطالعه در این زمینه برای حلّ اساسی مسائل مربوط به آن است. در رهیافت روشمند، تشخیص صحیح مسئله، دغدغه اصلی است؛ چرا که «حسن السؤال نصف العلم».

زانکه نیم علم آمد این سؤال هر برونی را نباشد این مجال

(مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۳۰۰۸)

مناسب بودن روشها در گرو تشخیص درست مسئله است؛ چه اینکه ابزارهایی که در حلّ مسائل به کار می‌گیریم، با توجه به شناختی که از آن مسائل داریم، گزینش می‌شود. غالباً سه عامل سهل‌انگاری، عافیت‌طلبی و سرعت‌طلبی موجب می‌شود که هر مشکلی، مسئله پنداشته شود و محقق تازه کار قبل از شناخت دقیق مسئله به جست‌وجو از حلّ آن پردازد (فرامرزی قراملکی، ۱۰۲-۱۰۳).

برای دست‌یابی به تشخیص درست مسئله در بحث از پلورالیسم دینی، سؤالهای متعدّدی مطرح می‌شود؛ از جمله: پلورالیسم دینی، «مسئله»<sup>۱</sup> است یا «مسئله‌نما»<sup>۲</sup>؟ «مشکل»<sup>۳</sup> است یا «مسئله»؟ (برای اطلاع بیشتر درباره تمایز مشکل و مسئله، ر.ک: همان، ۱۰۵-۱۰۸). اگر پلورالیسم دینی، مشکل است، دقیقاً چه مسائلی را دربرمی‌گیرد؟ آیا این مسائل، به اندازه کافی وضوح و تمایز دارد؟ صورتبندی دقیق آنها چگونه است؟ این مسائل، القاکننده است یا به نحو صحیح مطرح شده است؟

مقاله حاضر، ظاهراً نخستین تأمل معطوف به تشخیص دقیق مسائل مربوط به پلورالیسم دینی است که با تفکیک مشکل از مسئله و نیز تمایز مسئله از مسئله‌نما، بر آن است تا به صورتبندی دقیق مسائل در این معضل نایل آید. پیش از این، برخی از منابع، به ضرورت تمایز مشکل پلورالیسم در مسائل مندرج در آن اشاره کرده‌اند

۱. Problem.

۲. Pseudo-Problem.

۳. Difficulty.

همان، ۱۱۲) و برخی دیگر، به بیان گونه‌های پلورالیسم دینی پرداخته‌اند (لگنهاوزن، ۳۴-۳۸). گونه‌های پلورالیسمی دینی، در واقع، پاسخهای پلورالیستی به مسائل گوناگون است. این جستار، از حیث استقصای کامل و صورتبندی هر یک از مسائل و بیان رخنه‌های روشی در مسائل، متضمن نوآوری است.

استقصای روشن و متمایز مسائل مربوط به این بحث، نشان از آن دارد که هر مسئله‌ای به روش و ابزارهای خاصی نیازمند است و برای رسیدن به پاسخ آن باید از راههای مربوط به آن بهره جست. محقق می‌تواند به مسئله‌ای، پاسخ کثرت‌گرایانه و به مسئله‌ای دیگر، پاسخ حصر‌گرایانه دهد و در مسئله‌ای سوم، موضع شمول‌گرایانه در پیش گیرد. نمونه‌ای از پاسخهای متفاوت محققانی که موضع‌گیریهای متفاوت نسبت به مسائل مختلف مندرج در این مقام داشته‌اند، در مباحث آتی بیان می‌شود.

### مسئله‌نما

یکی از شرایط مهم در شناخت دقیق مسئله، تشخیص این امر است که آیا مسئله مورد بحث، «مسئله‌ای درست‌ساخت»<sup>۱</sup> است و یا اساساً با مسئله‌نما روبه‌رو هستیم. تحقیق معطوف به مسئله‌نما، هرچند روشمند نیز باشد، فاقد اثربخشی است. «مسئله‌نما» بودن موضوع تحقیق در مواضع مختلفی بروز می‌کند. دو موضع که آسیب روش‌شناختی بیشتری بر مباحث پلورالیستی دارد، عبارت است از: «مسئله القاکننده» و «جمع مسائل در مسئله واحد».<sup>۲</sup>

### مسئله القاکننده

مراد از مسئله القاکننده، آن است که محقق به طور ناهوشیار، پاسخ مسئله را به نحوی در مسئله اخذ کند. عدم توجه به اخذ پاسخ مسئله در صورت مسئله، سبب می‌شود که محقق به جای تحلیل ابعاد مسئله و آزمون فرضیه‌های رقیب در حل آن، صرفاً بر یک پاسخ محدود گردد؛ در نتیجه، خط مطالعاتی وی سوی گیری پیدا کند.

۱. Well formed problem.

۲. Complex question fallacy.

مطالعات معطوف به پلورالیسم دینی به شکل امروزی آن در جامعه ما، غالباً یک مسئله القاکننده است و به همین دلیل، مسئله‌نماست؛ بنابراین، اثربخشی تحقیقات معطوف به آن بسیار اندک است. در توضیح این مدعا می‌توان گفت که پلورالیسم دینی مانند سایر نظریه‌های رقیب خود مثل حصرگرایی و شمول‌گرایی، پاسخهای مختلف به یک سری مسائل است نه خود مسئله (نصری، ۱۴۰). بنابراین، در این تعبیر (پلورالیسم دینی) در واقع، پاسخ مسئله به جای مسئله اخذ شده است.

### جمع مسائل در مسئله واحد

مشکل روشی دیگر، عدم تمایز مشکل و مسئله است. مشکل، بیان مبهم و آکنده از مسائل مختلف و انگاشتن آن مسائل به عنوان مسئله واحد است. گاهی با توجه به تمایز مسئله و پاسخ آن، بیان می‌شود که درباره «مقوله دین» موضعگیریهایی وجود دارد که یکی از آنها پلورالیسم دینی است (لاریجانی، ۱۴۵). غالباً کثرت‌گرایی دینی به عنوان یکی از نگرشها (ر.ک: عباسی) یا پاسخهای ممکن در باب تنوع ادیان لحاظ می‌گردد (استفورد<sup>۱</sup>، تنوع ادیان (پلورالیسم)<sup>۲</sup>). اگرچه در این تعابیر، پاسخ مسئله اخذ نشده است، نشان از آن دارد که هنوز صورتبندی دقیق مسئله‌ای که کثرت‌گرایی دینی یکی از پاسخهای محتمل آن است، در میان نیست.

هرچند عده‌ای به لزوم یافتن معضل اساسی در مباحث کثرت‌گرایی دینی توجه دارند، در غالب آثارشان، مسائل این مشکل مشخص و معین نشده و صورتبندی هر یک بیان نگردیده است.

در واقع، با یک پرسش مواجه‌ایم: مسئله یا مسائلی که طبیعت‌گرایی، پلورالیسم، شمول‌گرایی و انحصارگرایی دینی پاسخهای آن است، چیست؟  
با تأمل در خاستگاه معضل می‌توان به این پرسش پاسخ داد.  
فرد دیندار به عنوان عضو یک جامعه دینی معین با جامعه دینی دیگر مواجه می‌شود و با پیروان سایر ادیان تعاملاتی پیدا می‌کند که در اثر این تعاملات، در قبال

۱. Stanford.

۲. Religious Diversity (Pluralism).

سایر ادیان و پیروان آنها با معضلاتی نظری و عملی مواجه می‌شود، به ویژه در عصر جهانی شدن، یعنی متراکم شدن زمان، فروریختن مرزها و تبدیل شهروندان به نت‌وندان، این معضلات دوچندان می‌شود.

توضیح مطلب این است که در گذشته، انسانها بسیاری از مشکلات خویش را با مهاجرت حل می‌کردند. این فاصله‌گیری غالباً سبب بی‌خبری از آداب، رسوم و باورهای همدیگر می‌گردید و این بی‌اطلاعی، به حصرگرایی در باورهایشان منجر می‌شد. تأسیس دولتها و ایجاد مرزهای جغرافیایی بر تعینات ملی و قومی تأکید کرد و گرایشهای فراملی را کاهش داد، اما انقلاب صنعتی و سپس انقلاب فناوری اطلاعات، انسانها را به شدت به همدیگر نزدیک کرد و آنان را از احوال و آرای دیگران آگاه ساخت. فروریختن مرزها، حذف فاصله‌ها و محدودیتهای جغرافیایی حاکم بر روابط اجتماعی و فرهنگی، وقوف بر سنتها و باورهای پیشینیان، و تطوّر تاریخی آنها، همه و همه موجب نزدیکی بیش از پیش انسانها به یکدیگر شد (ناجی میدانی، ۸۰) تا آنجا که شرایطی فعلی به طوفان پروانه‌ای تشبیه شده است؛ بدین معنا که بال‌زدن پروانه‌ای در نقطه‌ای از جهان، موجب طوفان در نقطه‌ای دیگر از جهان می‌شود (نقیب السادات، ۱۳).

این امر، سبب آشنایی پیروان ادیان با همدیگر شد. کسانی که در گذشته به علّت تعصّب و غیرت دینی، درگیر جنگهای مذهبی می‌شدند، دریافته‌اند که در دنیای فعلی به همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر مجبورند. آشنایی نزدیک با ادیان مختلف و تعامل مستمر و چند وجهی با پیروانشان، مسائل بسیاری را در برابر پیروان یک دین می‌نهد. این مسائل، زمینه‌های مختلف از معرفت‌شناختی تا رفتاری را شامل می‌شود. گوناگونی باورها، آداب و رسوم، وظایف دینی، تکثر در تجارب دینی، دیندار متعصّب در آیین خود را با مسائل فراوانی روبه‌رو می‌کند. همه این مسائل منشأ واحدی دارد و به صورت مبهمی در هم تنیده و با هم هم‌سرنوشت شده است. این مسائل در هم تنیده را می‌توان معضل «ما و دیگر ادیان» نامید. «ما» در اینجا پیروان دینی خاص نیست، اما نگاه از موضع پیرو یک دین خاص، معضل را بهتر نشان می‌دهد. این تعبیر، بر جنبه کلامی معضل مذکور تأکید می‌کند.

## معضل «ما و دیگر ادیان»

پیروان یک دین خاص در مواجهه و تعامل با پیروان سایر ادیان با مسائل مختلفی روبه‌رو می‌شوند. عموماً چنین انگاشته می‌شود که در قبال کثرت ادیان، می‌توان یکی از مواضع کثرت‌گرایی، حصر‌گرایی، شمول‌گرایی، تحویل‌نگری و... را در پیش گرفت. این تلقی، بر عدم تحلیل معضل «کثرت ادیان» مبتنی است؛ زیرا معضل «ما و دیگر ادیان»، متضمن مسائل فراوانی است؛ مسائل متنوعی که لزوماً نه روش یکسان تحقیق دارد و نه ناگزیر پاسخ واحد می‌یابد. منطبق دانان معضلی را که به ظاهر مسئله‌ای واحد و در واقع، یکی از مسائل مختلف است، مغالطه «جمع مسائل در مسئله واحد» می‌نامند. مغالطه خواندن معضل، بدین دلیل است که عدم تحلیل معضل به مسائل آن، سبب رهنی خط مطالعاتی می‌شود.

بنابراین، تشخیص دقیق مسئله اقتضا می‌کند تا در مباحث پلورالیسم دینی، ابتدا معضلی که پاسخ آن پلورالیسم دینی است، به دست آید و آن، معضل «ما و دیگر ادیان» است. در گام دوم، باید این معضل به سائش تحلیل شود و هر یک از آنها به گونه واضح و متمایزی صورتبندی گردد.

### مسئله نخست

چگونگی الگوی رفتاری ما با پیروان سایر ادیان، از مسائل مندرج در معضل «ما و دیگر ادیان» است. آیا همان‌طور که با یک همکیش رفتار می‌شود با یک غیر همکیش باید رفتار کرد؟ به عبارت دیگر، ملاک و مبنای حرمت نهادن به انسانها چیست؟ آدمیان از حرمت بدون قید و شرط برخوردارند یا حرمت به شرط آیینی خاص است؟ پیرو یک دین می‌پرسد: نسبت به پیروان ادیان دیگر، چه حقوقی را باید رعایت کرد؟ آیا تمامی حقوق همکیشان را غیر همکیشان نیز دارند؟ به طور کلی، بشر چه حقوقی دارد و چه حقوقی برای دینی خاص، به افراد تعلق می‌گیرد؟ این مسئله (دغدغه احترام نامشروط آدمی) به صورت مدون، از آن کانت است. البته در منابع دینی مسلمانان، هم مسئله و هم پاسخ آن ذکر شده است. پاسخ پلورالیستی به این مسئله، یعنی پاسخ مبتنی بر حرمت بی‌چون و چرای آدمی،

«پلورالیسم دینی هنجاری»<sup>۱</sup> را مطرح می‌کند.

به عقیده برخی از متفکران معاصر، اکثر جنگها و کشتارهای خونین به نام دین صورت گرفته و ادیان نسبت به ملت‌ها بسیار کمتر اخلاقی بوده است (سویینگ<sup>۲</sup>، مجله پایان زمان پیشگویی<sup>۳</sup>). همین امر، سبب شده تا به عنصر اخلاق به عنوان مؤلفه‌ای مستقل در حل مشکلات بشر امروز نگریسته شود و با تأکید بر نشئت گرفتن بزرگ‌ترین رفتارهای خشونت‌آمیز تروریستی در جهان امروز از تحریکات دینی و مذهبی، به منظور ایجاد سازمانهایی برای تحقق صلح در جهان و آشتی بین ادیان تلاش شود (پن<sup>۴</sup>، پیشگامان ادیان متحد؛ مبنایی برای دین جهانی<sup>۵</sup>)؛ چه اینکه ادیان، متضمن آموزش الگوهای رفتاری خاصی است و این، به مطالعات نظام‌مند درون‌دینی و برون‌دینی نیاز دارد.

## مسئله دوم

هر دینی متضمن فضائل، رذائل و توصیه‌های اخلاقی و به طور کلی، نظام اخلاقی معینی است و اخلاق از مهم‌ترین عناصر گوهری ادیان است. این اخلاقیات با اخلاقیات سایر ادیان چه نسبتی دارد؟ آیا الگوی ارائه شده همه ادیان، یکسان است یا از اساس متفاوت می‌باشد؟ آیا می‌توان اخلاقی واحد را از آنها استخراج کرد یا وابستگی یک نظام اخلاقی به دینی خاص، موجب تفاوت بنیادین آن با اخلاقیات دینی دیگر است؟ اخذ «اخلاق جهانی»<sup>۶</sup> از سنت‌های دینی مختلف تلفیقی است یا التقاطی؟

این مسئله با مسئله پیشین که پلورالیسم دینی هنجاری یکی از پاسخهای آن است، تفاوت دارد. در پلورالیسم دینی هنجاری، مسئله آن است که با غیر همکیشان

۱. Normative religious pluralism.

۲. William Swing.

۳. End Time Prophecy Magazine.

۴. L. Penn.

۵. The United Religion Initiative; Foundation for a World Religion.

۶. Global Ethic.



چه برخورداری باید داشت، حال آنکه در این مسئله، از نظامهای مختلف اخلاقی در ادیان پرسش می‌شود. نظامهای اخلاقی غالباً با ملاک کارآمدی، اثربخشی و سازگاری سنجیده می‌شود. طبیعت‌گرایان و نیز معتقدان به نظریه حسن و قبح عقلی، نظامهای اخلاقی را در ترازوی حقیقت نیز سنجیده‌اند. هنگام روبه‌رو شدن با نظامهای اخلاقی ادیان می‌توان از کارآمدی، اثربخشی، سازگاری و حقیقت آنها پرسید. آیا تنها یکی از آنها از چنین اوصافی برخوردار است و باید آن را برگزید و دیگر نظامهای اخلاقی در سایر ادیان را فرو گذاشت یا نه؟

پاسخ پلورالیستی به این مسئله، نوع دیگری از پلورالیسم را مطرح می‌کند که می‌توان آن را «پلورالیسم دینی اخلاقی»<sup>۱</sup> نامید. اخلاق جهانی نیز امروز، بحثهای زیادی را در محافل بین‌المللی برانگیخته و نهایتاً در سال ۱۹۹۳ م. در پارلمان ادیان جهان<sup>۲</sup> «بیانیه به سوی اخلاق جهانی»<sup>۳</sup> با هدف ارائه اخلاق واحد جهانی صادر شد (سایت اخلاق جهانی).<sup>۴</sup> منشور اخلاق جهانی می‌کوشد با آموزه‌های اصلی ادیان هماهنگ باشد تا بتواند نظام اخلاقی مقبولی را ارائه دهد. چنین انگاشته می‌شود که اخلاق جهانی پارلمان ادیان جهان بر کثرت‌گرایی دینی اخلاقی استوار است، ولی از نظر عدّه‌ای، حضور دین در اخلاق محدود است و به فرادینی بودن اخلاق معتقدند؛ از این رو، از نظر اینان، اخذ اخلاق از ادیان الزامی نیست (بی‌نا، «همگرایی رویکردی در مسئله انتظار از دین در سه اثر»، ۱۹۵). طبق این مبنا این مسئله در معضل «ما و دیگر ادیان» منتفی است.

## مسئله سوم

معتقدان به دینی خاص به سبب تمسک به آن دین، خود را اهل نجات<sup>۵</sup> می‌دانند. آیا

۱. Ethical religious pluralism.

۲. Parliament of the World Religions.

۳. Declaration Toward Global Ethic.

۴. < www.GlobalEthic.com > .

۵. هرچند مشکل ما و دیگر ادیان در شکل امروزی آن ریشه در مغرب‌زمین داشته و در این قسم از مسئله، نجات تقریباً مفهومی مسیحی دارد، با توجه به اینکه نجات‌بخشی وجه مشترک همه ادیان است (هیگ، ۱۸) پرداختن به این قسم نیز لازم است.

آیا پیروان ادیان دیگر نیز به نجات می‌رسند؟ آیا نجات در انحصار گروه خاصی است یا تمامی دینداران به آن نائل می‌آیند؟ آیا می‌توان خود را فرقه ناجیه و اهل سعادت ابدی و سایر فرق و مکاتب را غیر ناجیه و اهل جهنم دانست؟ اگرچه مفهوم نجات در این مسئله، تقریباً مفهومی مسیحی است، با توجه به اینکه نجات بخشی وجه مشترک همه ادیان است (هیگ، ۱۸) معضل ما و دیگر ادیان را در نجات بخشی ادیان نیز می‌توان طرح کرد: آیا نجات لزوماً و انحصاراً همان است که دینی خاص مفهوم‌سازی می‌کند؟ آیا تنها دینی خاص می‌تواند نجات‌بخش و رستگاری‌آور باشد؟

سومین نوع کثرت‌گرایی دینی که در پاسخ به این پرسش اخذ می‌شود به «کثرت‌گرایی دینی نجات‌شناختی»<sup>۱</sup> موسوم است. اینکه پیروان همه ادیان را اهل نجات بدانیم، تعریف این شق از پلورالیسم دینی است.

### مسئله چهارم

چهارمین مسئله در معضل ما و دیگر ادیان، پرسش از عقلانیت و موجه بودن باورهای پیروان سایر ادیان است. در نظر پیروان هر دینی، باورهایشان موجه و معقول است. آیا باورهای دینی پیروان سایر ادیان نیز چنین است؟ آیا دیگر دینداران را می‌توان خرافه‌پرست و گرفتار اعتقادهای ناموجه انگاشت؟

باید توجه داشت اینکه الگوی معرفتی ما در موجه بودن، الگوی مبناگروی کلاسیک ارسطویی باشد یا الگوی متن‌گروی یا تلفیقی، فعلاً مورد بحث نیست. همچنین به تئوریهای متفاوت موجود درباره عقلانیت نیز التفات نداریم. صرف اینکه به موجه بودن معتقدات سایر ادیان قائل باشیم و بپذیریم که ادیان دیگر نیز برای پیروان خود توجیه‌پذیر است و در نهایت، پیروان ادیان مختلف نسبت به توجیه اعتقادات خود با هم برابرند، موضع کثرت‌گرایانه در قبال این مسئله اخذ کرده‌ایم که آن را «پلورالیسم دینی معرفت‌شناختی»<sup>۲</sup> می‌گویند.

۱. Soteriological religious pluralism.

۲. Epistemological religious pluralism.

## مسئله پنجم

آیا حق در همه ادیان به یک اندازه است؟ به عبارت دیگر، آیا مطابق ادعای ادیان دیگر، همه صحیح و حقیقی است؟ آیا آنچه ادیان مختلف بر اساس آن شکل گرفته، به یک اندازه از حقیقت بهره دارد؟

اگرچه این مسئله با مسئله پیشین ارتباط منطقی دارد، نباید تمایز محتوایی آن دو را نادیده گرفت. در مسئله پیشین، از باورهای دینی، ولی در اینجا از متعلق و ما به ازای آنها بحث می‌شود.

«کثرت‌گرایی دینی حقیقت‌شناختی»<sup>۱</sup> آن است که به یکسان بودن حقانیت دینی همه ادیان و حقیقی بودن مطابق ادعای ادیان قائل شویم. تعارض آموزه‌های ادیان مختلف، معضل مهم در این قسم از کثرت‌گرایی است. غالباً به دلیل این تعارضها، متألّهان موضع تحویلی‌نگرانه دارند.

## مسئله ششم

آیا برای اطاعت از اوامر الهی الزاماً از دینی خاص باید پیروی کرد یا اینکه اطاعت از اوامری که هر دینی ارائه می‌دهد، برای اطاعت از خداوند معجزی و مکفی است؟

کثرت‌گرایی که به اراده یا اوامر الهی مربوط می‌شود، «کثرت‌گرایی دینی وظیفه‌شناختی»<sup>۲</sup> نام دارد. این نوع کثرت‌گرایی، محوری است برای درک صحیح وظیفه و مسئولیتهای انسان در مقابل کثرت سنتهای دینی جهان (لگنهاوزن، ۳۷). این مسئله را می‌توان از سطح اطاعت‌پذیری دینی به ژرفای ایمان برد. آیا تنها ما مؤمن به خدا هستیم؟ آیا می‌توان پاسخ مثبت ما انسانها به خدا را «ایمان» نامید، بدون آنکه در مقام تعریف آن باشیم؟ آیا تنها پاسخ مثبت به خدا ایمان دینی خاص است؟

## مسئله هفتم

تجاریبی که در یک دین خاص برای دینداران حاصل می‌شود، برای آنان معتبر و

۱. Alethic religious pluralism.

۲. Deontic religious pluralism.

معنادار است، اما تجارب دینی<sup>۱</sup> در شرایطی خاص معتبر و یقین آور است. آیا سایر تجارب دینی پیروان ادیان دیگر نیز موثق است؟ آیا هر دینداری می تواند تجربه دینی خود را وجهه همت خود قرار داده و بر مبنای آن اقدام کند؟

در توضیح بیشتر این مطلب می توان گفت که در هر دینی، افراد دیندار تجارب دینی خاصی را به دست می آورند؛ یک مسلمان تجربه های دینی خود را دارد، همین طور یک مسیحی یا یهودی. آیا این تجارب دینی بالکل مغایر است یا تقریباً یکسان؟ اگر مغایر است، آیا یکی از آنها حقیقتاً تجربه دینی است یا همه آنها؟ آیا می توان گفت که یکی خالص تر از بقیه است؟ رابطه تجارب دینی با یکدیگر چیست؟

متدینان تجارب مختلفی دارند. در درون سنت دین واحدی دو گونه متخالف از تجربه بازشناسی می شود: الهامات رحمانی و القائنات شیطانی. پیرو یک دین خاص درباره آنچه پیروان سایر ادیان تجارب دینی انگاشته اند، می پرسد: آیا آنها تجربه دینی است یا پندار تجربه دینی؟ آیا آنها از الهامات رحمانی است و یا از القائنات شیطانی؟

اعتقاد به معتبر و موثق بودن تمامی تجارب دینی ادیان مختلف، مستلزم پذیرش پلورالیسم دینی تجربه شناختی است. پذیرش این نوع از پلورالیسم که در واقع، تعدادی از سنت های مختلف وجود دارد که گواه بر وجود الهه های شخصی و واقعیت های غیر شخصی گوناگون است، در باور مبتنی بر تجربه دینی، نقش اساسی دارد (هیگ، تفسیر دین<sup>۲</sup>، ۲۳۳). اینکه ما کثرت تجارب دینی را همپای کثرت ادیان به رسمیت بشناسیم و آن را ارج نهمیم.

## تأملات روش شناختی در مسائل یادشده

مسائل یادشده از لحاظ منطقی و ساختاری کاملاً متمایز است و خلط آنها با یکدیگر به عقیم ماندن تحقیق منجر می شود. گاهی در برخی تحقیقات انجام شده، انواع

۱. Religious experience.

۲. An Interpretation of Religion.

پلورالیسم دینی با هم آمیخته و تمام شقوق آن به یک چشم نگریسته شده است (ر.ک: سروش). بعضاً نیز در مقام پاسخگویی و ردّ مواضع پلورالیستی - هرچند گاهی به تمایز پرسشهای معرفت‌شناسانه با پرسشهای کلامی و اخلاقی اشاره شده - با تفکیک دقیق و روشن این مسائل مواجه نیستیم (ر.ک: خسروپناه، ۱۶۱-۲۱۶).

حتی به نظر می‌رسد در حرکت‌های جهانی صورت گرفته و جنبشهایی که در راستای ایجاد تفاهم، صلح و وحدت میان ادیان انجام شده است نیز آنچه موجب ظهور و بروز این حرکات بوده، پلورالیسم دینی هنجاری است، اما آنچه در منشور و اعلامیه‌های این سازمانها<sup>۱</sup> به چشم می‌خورد تلفیقی از انواع پلورالیسمهای دینی است (پیشگامان ادیان متحد، منشور URI<sup>۲</sup>).

از آنجا که این مسائل متمایز است، روشهای مستقلی نیز برای پاسخگویی نیاز است؛ برای مثال، ابزارها و روش حلّ مسائل هنجاری لزوماً همان روش حلّ مسائل حقیقت‌شناختی نیست و بدیهی است که پاسخهای یکسانی را دربردارد؛ بدین معنا که یک ایدئولوژی ممکن است نسبت به برخی از انواع پلورالیسم، موضع منفی و نسبت به برخی دیگر، موضع مثبت داشته باشد و پاسخها همه یا هیچ نیست.

از مواضع ابهام پلورالیسم دینی، اخذ موضع همه یا هیچ است؛ در صورتی که با تفکیک مسائل روشن می‌شود که به علّت گوناگونی روشها با پاسخهای متفاوتی روبه‌رویم. برخی اندیشمندان اسلامی، پلورالیسم دینی هنجاری را می‌پذیرند و درباره پلورالیسم حقیقت‌شناختی یا نجات‌شناختی این موضع را ندارند؛ چنانچه شهید مطهری کفر از روی لجاجزی و عناد را با کفر از روی جهالت تمایز می‌نهد و درباره گروه دوم بیان می‌کند که امید بخشش وجود دارد (مجموعه آثار، ۲۷۱/۱-۲۷۵). همچنین بر همزیستی با اهل توحید - هرچند آنها بالفعل از توحید منحرف باشند - صحه می‌گذارد (همو، وحی و نبوت، ۲۳۲).

این مسئله در تحقیقات معطوف به متون دینی و یا دیدگاه مکاتب فکری نیز

۱. پیش‌نویس منشور سازمان پیشگامان ادیان متحد در آغاز سال ۱۹۹۸ م. تهیه و در سال ۲۰۰۰ م. ارائه شد (گلدنر (Gelder)، برقراری صلح بین ادیان).

۲. United Religions Initiative, «URI Charter».

حائز اهمیت است؛ چه اینکه مثلاً پرسش از «موضع مولوی درباره کثرت گرایی دینی» خطای روشی دارد.

نکته مهم دیگر آنکه هر چند این مسائل چه به لحاظ ساختار منطقی، چه به لحاظ روش شناختی و چه به لحاظ گونه‌شناسی و تبارشناسی متفاوت است، کاملاً بی‌ربط به یکدیگر نیست. این ارتباط ممکن است در مفهوم روان‌شناختی کلمه یا به معنای منطقی باشد؛ برای مثال، هیک معتقد است اگر مسیحیان بر این اعتقاد باشند که پیروان ادیان دیگر اهل نجات نیستند، نمی‌توانند برای آنها احترام قائل شوند (لگنهاوزن، ۳۵) یا انحصار گرایی نجات‌شناختی و انحصار گرایی عقیدتی اگر چه از نظر منطقی مستقل است، معمولاً با هم پذیرفته می‌شوند (لاریجانی، ۱۴۶). تفکیک و تشخیص موارد یادشده در حل مسائل معطوف به پلورالیسم دینی نقشی اساسی دارد.

### نتیجه

کثرت گرایی دینی تنها یکی از پاسخهای محتمل در حل مشکل «ما و دیگر ادیان» است. پذیرش موضع انحصار گرایانه یا شمول گرایانه، پاسخهای تقریباً یکسانی را در مسائل مطرح شده به دنبال دارد؛ برای مثال، اتخاذ موضع حصر گرایانه، به پاسخ منفی درباره ادیان دیگر در تمامی مسائل یادشده منجر می‌شود و اخذ موضع شمول گرایانه برای هر یک از مسائل، پاسخهای دیگری را به همراه دارد.

ولی شرایطی چون همخوانی پلورالیسم با تساهل و تسامح لیبرالی و جهانی‌شدنی که در آن، سازمانهای جهانی همچون پیشگامان ادیان متحد که به عنوان همتایی معنوی برای سازمان ملل متحد لحاظ می‌شود و پذیرای تمام ادیان تجارب معنوی و سنتهای دینی است (dccsa). علیه پیشگامان ادیان متحد<sup>۱</sup> وجود دارند موجب شده تا بحث پیرامون پلورالیسم دینی نسبت به رقبای خود از اهمیت بیشتری برخوردار شود؛ هر چند قبول لوازم این شرایط حتی از طرف خود مسیحیان نیز به طور کامل پذیرفته نشده و محل نزاع است (ر.ک: پن<sup>۲</sup>، پیشگامان ادیان متحد؛ مخالفت واتیکان، حمایت لیبرالها)، اما

۱. The Case Against United Religion Initiative.

۲. The United Religion Initiative; Vatican opposition, Liberal support.

پلورالیسم دینی همچنان مطرح‌ترین راه حلّ معضل «ما و دیگر ادیان» است. چه امروز افرادی چون «هانس کونگ» که خود از کلیسای کاتولیک برخاسته، عقیده دارند آموزه‌ای چون «خارج از کلیسا رستگاری نیست» فاقد کارآیی است. وی الگوی انتقال از کلیسامداری به خدامداری را مطرح می‌کند (ریچاردز، ۱۰۱-۱۰۲). وی یکی از افرادی است که اقدام به نوشتن پیش‌نویس «به سوی اخلاق جهانی»<sup>۱</sup> کرده و در سازمان پیشگامان ادیان متحد شرکت فعال دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت که شرایط فعلی جهان اقبال به پلورالیسم دارد.

یک ایدئولوژی و دین خاص ممکن است نسبت به شقوق مختلف پلورالیسم دینی موضعگیریهای متفاوت داشته باشد. در بسیاری از این اقسام، رد یا قبول یکی مستلزم رد یا قبول دیگری نیست.

بنابراین، اعلام موضعگیری اسلام نسبت به پلورالیسم دینی و انواع آن، در گرو شناخت صحیح مسائل آن است و این، ممکن است به مطرح شدن گونه‌های مختلف پلورالیسم و نظریه‌های رقیب آن منجر گردد.

## کتاب‌شناسی

- بی‌نا، «همگرایی رویکردی در مسئله انتظار از دین در سه اثر»، نگاه حوزه، شماره ۹۹-۹۸، بهمن ۱۳۸۲.
- خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، چاپ دوم، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های حوزه علمی، ۱۳۸۱.
- ریچاردز، گلین، رویکردهای مختلف به پلورالیسم دینی، ترجمه رضا گندمی نصرآبادی و احمدرضا مفتاح، چاپ دوم، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳.
- سروش، عبدالکریم، صراط‌های مستقیم، تهران، صراط، ۱۳۷۷.
- عباسی، ولی‌الله، «نقد مبانی معرفت‌شناختی پلورالیسم دینی جان هیک»، الهیات و حقوق، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۲، ۱۳۸۳.
- فرامرز قراملکی، احد، اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی، قم، حوزه علمی، قم، ۱۳۸۳.
- لاریجانی، مریم، «کثرت‌گرایی دینی»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی فصلنامه دانشگاه قم، شماره اول و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
- لکنه‌اوزن، محمد، اسلام و کثرت‌گرایی دینی، ترجمه نرجس جواندل، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، تهران، صدرا، ۱۳۷۸.
- همو، وحی و نبوت (۳)، تهران، صدرا، بی‌تا.
- منصوری، کثرت‌گرایی دینی نزد متکلمان مسلمان، پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی به راهنمایی مجتهد شبستری، تهران، دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، مولی، ۱۳۷۱.
- ناجی میدانی، علی‌اکبر، «جستاری در مفهوم جهانی شدن»، کتاب نقد، شماره ۲۴-۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
- نصری، عبدالله، یقین گمشده، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
- نقیب‌السادات، سیدرضا، جهانی‌سازی، تهران، کتاب صبح، ۱۳۸۲.
- هیک، جان، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۶.
- Cephasministry, "United Religions", <<http://Cephasministry.com/world-symbols-uri-htm>> .
- dccsa, "The Case Against the United Religions Initiative", <<http://www.dccsa.com/greatjoy/illumino.htm>> .
- End Time Prophecy Magazine, "Exclusive Inter View Bishop William Swing Head of the United Religions Organization.", <<http://www.Endtime.Com/۰۳-oldsite/bishop.htm>> .
- Gelder, Sarahvan, "Making Peace Between Religions", <<http://www.URI.org>> .
- Hick, John, An Interpretation of Religion, New Haven, Yale University Press, ۱۹۸۹.
- Parlemant of Religions, "Declaration Toward Global Ethic", <<http://www.globalethic.com>> .
- Penn, Lee, "The United Religions Initiative; Vatican opposition, Liberal support", <<http://www.Fatima-Freehosting.net/Article/Art۱۱/htm>> .



- -----, “The United Religions Initiative; foundation for a World Religions”, <<http://www.sco-inc.org>> .
- *Stanford Encyclopedia of philosophy*, “Religious Diversity (Pluralism)”, <<http://plato.stanford.edu/entries/religious-pluralism>> .
- United Religions Initiative, “URI charter”, <<http://www.uri.org/about-uri.html#charter>> .